



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



پاسداران ولایت در عصر
امام موسی کاظم (علیه السلام)

غلامرضا علی زواره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسداران ولایت در عصر امام کاظم علیه السلام

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پاسداران ولایت در عصر امام کاظم علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	برفهای تردید آب شد
۷	رهنمودهای آگاهی بخش
۸	پرورش یافتگان
۹	مرواریدها
۱۰	جویبارهای خونین
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پاسداران ولایت در عصر امام کاظم علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان: پاسداران ولایت در عصر امام کاظم (ع)

پدیدآورندگان: امام هفتم موسی بن جعفر (ع) (توصیف گر)

گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۳۷- (پدید آور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: اصحاب ائمه

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ، ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وب عنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: ماهنامه کوثر، شماره ۹، آذر ۱۳۷۶

شناسه: [oai:tebyan.net/19853](http://oai.tebyan.net/19853)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۸/۸/۱۰

تاریخ تغییر رکورد: -

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۳۰

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

مقدمه

با طلوع خورشید ولایت در طلیعه‌ی هفتمین روز از ماه صفر، در روستای «ابواء»، شعف و سرور بر سرزمین حجاز حاکم شد. مادرش، حمیده، خادمه‌ای از شمال آفریقا بود که در حرم حضرت امام صادق (ع) مقامی والا داشت. امام صادق (ع) به همراه خانواده‌اش در حال بازگشت از مکه بود که سومین پسر آن حضرت پا به عرصه‌ی گیتی گذاشت. نام آن مولود پاک را موسی گذاشتند. [۱] امام صادق (ع) نگاهی پدرانه به سیمای نورانی فرزند سومش انداخت، آنگاه به سوی مسلمانانی که در سفر حج آن امام همام را همراهی می‌کردند، بازگشت و فرمود: خداوند امروز پسری به من عنایت فرمود که بهترین مردم زمان خود و پیشوای آینده‌ی شما خواهد بود. [۲].

برفهای تردید آب شد

تا آن روز که اسماعیل - بزرگترین فرزند امام صادق (ع) - در قید حیات بود، گروهی از اصحاب تصور می‌کردند، رهبری آینده‌ی شیعیان از آن او خواهد بود اما وی، در جوانی و در زمان حیات پدر بزرگوارش دار فانی را وداع گفت. امام صادق (ع)، به یاران وفات او را خبر داد، حتی جنازه‌اش را به اصحاب و برخی بزرگان شیعه نشان داد، تا ریشه‌ی عقیده‌ای موهوم، و تصویری غیر واقعی بخشکد، با این حال عده‌ای با انگیزه‌ی مهدویت اسماعیل و یا بهانه‌های دیگر فرقه‌ای به نام، باطنیه، یا اسماعیلیه، را در تاریخ تشیع پدید آوردند که مسیری انحرافی از صراط مستقیم عترت پیامبر بود. پس از مرگ اسماعیل، امام صادق (ع) به اصحاب خود فرصت داد تا درباره‌ی امام آینده سخن به میان آورند. هر بار که آنان با تعابیر متفاوت از نام امام هفتم سؤال می‌کردند، حضرت صادق (ع) با تصریح و در مواقعی با اشاره، اصحاب را به امام موسی بن جعفر علیهما السلام راهنمایی می‌کرد. روایاتی در منابع مستند شیعه به چشم می‌خورد که امام کاظم (ع) از ابتدا برای برخی خواص شیعه به عنوان جانشین راستین و برحق امام صادق (ع) معین شده بود. روایت لوح نیز در ارتباط با اسامی مشخص امامان این نکته را تایید می‌کند. کلینی در کتاب کافی، ذیل اشاره و نص بر امام کاظم (ع) از اصحاب و راویان امام صادق (ع) و یا امام موسی بن جعفر علیهما السلام سخن به میان می‌آورد که هفتمین امام دوران کودکی را می‌گذرانند، از پدرش امام پس از او را پرسیدند و آن حضرت اشاره به حضرت کاظم (ع) کرد. فیض بن مختار، معاذ بن کثیر، عبدالرحمن بن حجاج، مفضل بن عمرو، اسحاق بن جعفر، صفوان جمال، عیسی بن عبدالله، یعقوب سراج، سلیمان بن خالد و ظاهر (خادم امام صادق (ع)) از جمله افرادی هستند که این خبر را روایت کرده‌اند. [۳]. فیض بن مختار می‌گوید: وقتی ابوالحسن اول (امام هفتم) آمد، در محضر امام صادق (ع) بودم. او را در بغل گرفته، بوسیدم، امام ششم فرمود: «شما کشتی هستید و این فرزند ملاح (کشتی‌بان) شماست.» وی می‌افزاید «در سال بعد به حج مشرف شدم و دو هزار اشرفی با خود داشتم، هزار دینار برای امام صادق (ع) و هزار دینار برای امام کاظم (ع) فرستادم. وقتی خدمت امام ششم شریفاب شدم، فرمود: ای فیض او را با من برابر دانستی؟ عرض کردم: این کار را به خاطر فرموده‌ی شما انجام دادم، فرمود: به خدا سوگند من این کار را نکردم بلکه خدای بلند مرتبه این مقام را به وی اعطا کرده است.» [۴].

رهنمودهای آگاهی بخش

خفقان حاکم بر سرزمین‌های اسلامی که خلفای غاصب عباسی برای شیعیان پدید آورده بودند، محیط بسیار ناامنی به وجود آورده بود که رسیدن به آرمان مقدس معنویت توسط امام در چنین شرایط نابسامان، خط مشی خاصی را می‌طلبد. به دستور منصور - خلیفه‌ی ستم‌گستر عباسی، جاسوس‌های فراوانی مامور شدند تا در سراسر دنیای اسلامی به تجسس پرداخته، هر کجا به شیعیان دست‌یافتند، آنان را گردن بزنند. سرانجام وقتی که امام کاظم (ع) به سن بیست‌سالگی رسید، پدر بزرگوارش توسط منصور دوانیقی، در سن ۶۵ سالگی، شهید شد. در چنین اوضاعی هشام بن سالم با هوشیاری و فراست خاصی در صدد بود، هفتمین ستاره‌ی ولایت را بشناسد و محبت ناشی از معرفت را نثار وی کند. خطاب به امام هفتم عرض کرد: فدایتان شوم، پدرتان به شهادت رسید، امام پاسخ داد: بلی، پرسید: بعد از امام صادق (پدر شما) رهبر ما چه کسی است؟ فرمود: اگر خواست خداوند بر این تعلق گیرد، تو را هدایت می‌کند. پرسید: آیا شما پیشوای من می‌باشید؟ فرمود: چنین نمی‌گویم، هشام ادامه داد: آیا شما امام و رهبری دارید؟ موسی بن جعفر پاسخ داد: خیر، امامی ندارم. در پایان این گفتگو امام وی را مخاطب قرار داد و فرمود: به دیگران اخبار ما را بگو ولی هرگز موضوع شیوع پیدا نکند، چون مخاطراتی در پیش است. [۵] از گفتگوی هشام با امام، چنین استفاده می‌شود که اختناق آن عصر بسیار شدید بود، تا آنجا که امام موسی کاظم (ع) در منزل شخصی خویش و نزد یکی از شیعیان برگزیده و بهترین یارانش، پاره‌ای از مسایل اصلی را ناگفته گذاشت و هشام بن سالم را به عدم افشای برخی حقایق دعوت کرد. در آن دوره‌ی فشار، هرگونه اقدام آشکار و برنامه‌ای که حکومت منصور از آن آگاهی می‌یافت، وضع جبهه‌ی حق و شیعیان را آشفته می‌کرد، لذا امام

هفتم دنباله‌ی برنامه‌ی عملی پدر را گرفت و با سیاست ویژه‌ای که از درایت و معنویت آن امام خیر می‌داد، به پرتوافشانی پرداخت و شاگردان بسیاری را در رشته‌های علوم دینی و فضایل و مکارم اسلامی پرورش داد.

پرورش یافتگان

گروه کثیری از عالمان و راویان حدیث، پیرامون امام موسی (ع) گرد آمدند و آن حضرت با توانایی بسیار آراء خردمندانه‌ای در دانش‌های گوناگون دینی ابراز کرد. مجموعه‌های بسیار از احکام اسلامی که در موضوع فقه و حدیث و کلام اسلامی تدوین شده به آن حضرت منسوب است و راویان، همواره با آن افاضات علمی مانوس بوده، فرمایشات و فتاوی امام (ع) را ثبت می‌کردند. سید بن طاووس می‌نویسد: «یاران و نزدیکان امام (ع) در مجلس درس آن بزرگوار حاضر می‌شدند و لوحه‌های آبنوس در آستین‌ها داشتند، هر گاه او سخنی می‌فرمود یا در موردی نظری ارائه می‌داد، به ضبط آن مبادرت می‌کردند.» [۶]. امام کاظم (ع) در عصر خویش عابدترین و عالم‌ترین و فهیم‌ترین مردم بود. [۷] پدر بزرگوارش در تایید آگاهی‌های علمی و فقهی این فرزند فرزانه‌اش، فرمود: «توان علمی او به اندازه‌ای است که اگر از تمام مضامین قرآنی پرسش کنی، با علم کافی که دارد، پاسخ قانع‌کننده‌ای خواهد داد. او کانون حکمت، معرفت و اندیشه است.» چشمه‌های اندیشه‌ی امام در عصری جاری گردید که با وجود اختناق حاکمان عباسی، شیعیانی اهل درک، منطق و خرد داشت. از مجموع روایات و کتب سیره برمی‌آید که پیروان امامان با طرح سؤالات علمی - فقهی، دانش وی را ارزیابی کرده، در صورتی که از جنبه‌ی علمی وی یقین حاصل می‌کردند، او را به وصایت می‌پذیرفتند. به همین دلیل شیعیان، عبدالله بن جعفر را که مشهور به عبدالله افطح بود - بدین سبب گروندگان به او را فطحیه می‌نامیدند - با طرح برخی مسائل فقهی و احکام شرعی نماز و زکات آزمودند و چون آگاهی وی را از این مسائل ناکافی دانستند از وی روی برتافتند. [۸]. با آنکه صدها نفر از محضر پر فیض امام موسی کاظم (ع) بهره برده و اخبار و احادیث او را نقل می‌کردند، اما در میان اصحاب، حدیث هیجده نفر به صدق و امانت مشهور گردیده و منقولات آنان مهر اعتبار و اطمینان خورده و همگان بر صدق گفته‌هایشان اعتراف کرده‌اند. شش نفر از آنان شاگردان امام باقر (ع)، شش نفر از اصحاب امام صادق (ع) و بقیه هم از خواص تربیت یافتگان حضرت امام کاظم (ع) بوده‌اند؛ اسامی آنان به این شرح است: یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن المغیره، حسن بن محبوب السراد، احمد بن ابی نصر بزنتی. به این افراد اصحاب اجماع می‌گفتند. شاگردان زبده‌ی دیگری در مکتب علمی - تربیتی و سرشار از معنویت هفتمین امام پرورش یافتند از جمله: محمد بن خلاد، عبدالرحمن بجلی، علی بن جعفر، اسحاق بن عمار صیرفی، اسماعیل بن موسی بن جعفر، حسین بن علی بن فضال، داود رقی، عبدالسلام بن صالح حصروی، موسی بن بکیر و اسماعیل بن مهران. [۹]. گسترش نهضت‌های علوی توسط گروهی از امامزادگان و سادات و افزایش قدرت سیاسی بنی‌عباس، خصوصاً در دوران خلافت هارون، باعث تشدید مراقبت و سخت‌گیری نسبت به امام کاظم (ع) شد به طوری که هارون درباره‌ی امام هفتم می‌گفت: می‌ترسم فتنه‌ای بر پا کند که خونها ریخته شود؟! سخت‌گیری نسبت به امام در حدی بود که به ندرت کسی می‌توانست حتی برای ضروری‌ترین مسایل و سؤالات فقهی و علمی به خدمت امام (ع) شرفیاب شود. با این وجود، امام یارانی داشت که در جهان اسلام پراکنده بودند و با ایشان، بخصوص در دوران اقامت در مدینه، تماس داشتند. تلاش‌های تبلیغی این برگزیدگان بر محبوبیت امام بین شیعیان شهرهای اسلامی افزود و موجب نگرانی هارون شد. از این روی هارون حضرت را تحت نظر از مدینه به بصره و سپس به بغداد آورد و سالها امام را در زندانهای مختلف تحت نظر گرفت و به احدی اجازه‌ی ملاقات با آن مقام معنوی را نداد. مرحوم شیخ طوسی راویان و شاگردان امام را ۲۷۲ نفر ذکر کرده است. احمد بن خالد برقی تلامذ حضرت را ۱۶۰ نفر دانسته و مؤلف کتاب حیات الامام موسی بن جعفر تعداد ۳۱۹ نفر از اصحاب و شاگردان هفتمین فروغ امامت را به تفصیل نام برده است.

مرواریدها

یاران برجسته‌ی امام کاظم (ع) تداوم امامت را برای رهبری جامعه اصل مسلم اسلامی دانسته و در برابر امواج انحرافی که خلفای خلفا و فرقه‌های گوناگون پدید می‌آوردند، مقاومت می‌کردند. یونس بن عبدالرحمن ^{۱۰} در اعتقاد به امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام چنان روشن بین و استوار بود که کوچکترین نرمش و یا لغزشی را در مقابل منحرفان روا نمی‌شمرد و در برخورد با فرقه‌هایی چون واقفیه، موضع قاطعی داشت. او در پرتو انوار درخشان هفتمین و هشتمین فروغ امامت از چهره‌های درخشان جهان تشیع و شخصیتی ارزنده به شمار می‌رود. حضرت امام رضا (ع) او را سلمان زمان خود دانسته و عموم علمای شیعه، تقوا و پاکی وی را ستوده و مقام علمی و فقهی وی را تصدیق کرده و روایاتش را بدون هیچ‌گونه شبهه‌ای پذیرفته‌اند. او روزگار خود را غالباً با تالیف کتاب می‌گذراند و سی کتاب در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی نوشته است. ^[۱۰] محمد بن ابی عمیر ^{۱۱} در میان شیعیان و جامعه‌ی تسنن از چهره‌های محبوب و عابد و پارسا محسوب می‌شود. ^[۱۱] او روایاتی از امام هفتم نقل کرده که در آنها امام را با کنیه ابااحمد مخاطب قرار داده است. ^[۱۲] وی ۹۴ جلد کتاب در مباحث مختلف علمی، دینی و فقهی به رشته‌ی تحریر درآورد و مجموعه روایاتی که نقل کرده به ۶۵۴ حدیث می‌رسد. طی چهار سالی که در زندان بود، نگاشته‌های وی از بین رفت و بعدها با تکیه بر حافظه و آنچه به راویان دیگر انتقال داده بود، روایت می‌کرد. سرانجام محمد بن ابی عمیر مورد خشم دستگاه خلافت عباسی قرار گرفت ^{۱۲} زیرا هارون اعتقاد داشت اسرار فعالیت سیاسی و مبارزات مخفی شیعیان و اسناد ارتباط آنان با پیشوای هفتم در اختیار اوست. کشی به نقل از فضل ابن شاذان گفته است: «درباره‌ی ابن عمیر نزد خلیفه سعادت شد، او را دستگیر کرده و از وی خواستند نام شیعیان و کسانی که با موسی بن جعفر علیهما السلام در ارتباط هستند به دستگاه خلافت تحویل دهد، وی امتناع کرد و از افشای نام رابطین با امام اجتناب نمود، دژخیمان او را در میان دو چوب قرار دادند. و برای اقرار گرفتن از نامبرده صدتازیانه بر بدنش زدند و چون از مقاومت دلیرانه‌اش خسته شده و به خشم آمدند بیش از صد هزار درهم وی را جریمه کرده و تمام اموالش را مصادره کردند.» ^[۱۳] محمد بن مفضل بن عمر جعفری ^{۱۳} محمد را باب امام کاظم (ع) نامیده‌اند ^{۱۳} او رابط میان مردم و حضرت بود و فرزند مفضل است، که امام صادق (ع) توحید معروف خویش را به وی املاء فرمود. محمد بن علی بن نعمان ^{۱۴} کنیه‌اش ابوجعفر و لقب او مؤمن طاق بود - چون مغازه‌اش در کوفه زیر طاقی قرار گرفته بود - از بزرگان اصحاب امام ششم و امام هفتم است. وی توان آن را داشت که با هر مخالفی بحث کند و بر وی غالب گردد. ^[۱۴] حسن بن محبوب ^{۱۴} از راویان بزرگ است که فقهای شیعه در صحت احادیث او اجماع و خودش را توثیق کرده‌اند. او نزد امام هفتم و امام هشتم از احترام زیادی برخوردار بود و از ارکان عصر خویش به شمار می‌رفت، شیعیان اهل بیت از اطراف و اکناف دنیای اسلام به نزدش رفته و از فضل و دانش وی خصوصاً در فقه بهره می‌گرفتند، تالیفات و تصنیفات وی را شیخ طوسی در فهرست خویش ذکر نموده است. ابوعبدالله بن یحیی کاهلی اسدی ^{۱۵} از اصحاب امام کاظم (ع) است که نزد آن حضرت محترم بود و علمای رجال او را با منزلت و فضل می‌دانند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خطاب به علی بن یقظین که در دستگاه هارون نفوذ سیاسی داشت، فرمود: از کاهلی اسدی و خاندانش صیانت کنید. من بهشت را برایتان ضمانت می‌کنم. وی هم قبول کرد و ابن یقظین زندگی او و خاندانش را تامین می‌کرد. ^[۱۵] ابان بن عثمان بجلی ^{۱۶} اهل کوفه بود و گاهی هم در بصره سکونت داشت. شیخ طوسی وی را از موالیان بجلیه می‌داند. گروهی از بصریان همچون ابوعبیده از وی حدیث نقل کرده‌اند. ابان با حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ارتباط داشته و در کتابهایش از آن حضرت روایاتی نقل کرده است. ^[۱۶] عبدالله بن جنذب، بجلی و کوفی است او منزلتی بلند نزد امام هفتم داشت و وکیل آن حضرت به شمار می‌رفت، امام رضا سوگند یاد کرد که ^{۱۶} عبدالله بن جنذب مورد رضایت خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله و از محبتین ماست. ^[۱۷] هشام بن حکم ^{۱۷} پرورش یافته مکتب امام صادق (ع) بود. او به خاطر دشمنی با بنی عباس

سالها مخفیانه زندگی می‌کرد و امام ششم او را نگهبان و گواهی دهنده بر راستی خویش می‌دانست. بارها از سوی امام کاظم (ع) برای انجام کارهای شخصی یا عمومی به عنوان وکیل تعیین شد. هارون که در پی فرصتی بود تا هشام را به قتل برساند، جلسه‌ای با حضور دانشمندان وابسته در منزل یحیی برمکی ترتیب داد و خود از پشت پرده به نظاره نشست، هشام با همه فراست و شجاعت، به آنچه اعتقاد داشت اعتراف کرد و از آن جلسه گریخت و از بغداد به کوفه رفت و در منزل بشیر که از شیعیان معروف بود وارد گردید. او دانشمندی برجسته، متکلمی بزرگ و دارای بیانی شیرین و رسا بود. [۱۸]. صالح بن واقدی طبری می‌گوید: خدمت امام موسی کاظم (ع) رسیدم، حضرت فرمود: هارون تو را زندانی می‌کند و درباره من از تو می‌پرسد، بگو او را نمی‌شناسم و آنگاه که به زندان افتادی تو را آزاد می‌کنم. و همین‌گونه هم شد. او با کمک امام به طرز شگفت‌انگیزی از زندان به مازندران (طبرستان) رفت. صالح بن واقدی می‌گوید: چون به دیار خویش برگشتم، به خدا سوگند نه کسی از من خبر گرفت و نه از زندانی بودنم کسی جويا شد. [۱۹] او به برکت کرامت امام از چنین دسیسه‌ای رهایی یافت و توانست مدت‌ها در طبرستان به دفاع از حریم امامت پردازد و بازوی ولایت را پاسداری نماید. صفوان بن یحیی رزمانی که صفوان فرزند یحیی به رشد عقلی رسید و علوم عقلی را از پدر خویش فرا گرفت، در حوزه درس امام کاظم (ع) حاضر شده و از بیانات قدسی آن فروغ آسمانی بهره‌مند گشت. او از فقیهان، محدثان و متکلمان کم‌نظیر است. علاوه بر مقام شامخ علمی، جایگاه والایی در زهد، تقوا و عبادت داشت. صفوان را یکی از وکیلان و نایبان خاص امام دانسته‌اند و می‌گویند او ضمن جمع‌آوری وجوهات شرعی، ماموریت خطیر نشر روایات اهل بیت و هدایت شیعیان و مبارزه با خطوط انحرافی و التقاطی آن عصر را بر عهده داشت. [۲۰]. علی بن یقطين از دوستان و علاقه‌مندان امام موسی (ع) بود، در دستگاه هارون به مقام وزارت رسید. چندین مرتبه خواست از این مقام استعفا بدهد، ولی حضرت مخالفت کرد. وی برای ارتباط با امام و کمک به شیعیان و حمایت از محبان آل عترت که در فقر و ناداری بسر می‌بردند، از ماموران مخفی استفاده می‌کرد، اسماعیل بن سلان و فلان بن حمید از آن جمله‌اند که فرزند یقطين آنان را احضار کرد و گفت دو مرکب سواری تدارک دیده و از طریقی غیر از راه معمول بروید تا به امام هفتم برسید و نامه و مبالغی که می‌دهم تحویل آن حضرت به نحوی دهید که کسی متوجه نشود. [۲۱]. ابن بزيع از اعیان و رجال شیعه و شاگردان امام کاظم (ع) است. طبق دستور امام در تشکیلات بنی‌عباس شغل مهمی داشت و از مشاورین خاص دستگاه خلافت به شمار می‌رفت. امور تعدادی از شیعیان جهان اسلام توسط وی اصلاح گشت. او به نیازمندان پناه می‌داد و عاشقان اهل بیت را از گرفتاری می‌رهانید. [۲۲]. یعقوب بن داود مردی با ایمان، پاک سرشت و نیکوکار بود. به دلیل برخورداری از شهامت و روحیه مبارزاتی به اتفاق برادرانش در قیام ابراهیم فرزند عبدالله بن حسن شرکت کرد و به همین دلیل دستگیر و زندانی گردید و تا آخر خلافت منصور در حبس به سر برد. با روی کار آمدن مهدی عباسی آزاد شد. این بار یعقوب تلاشهای خود را در حمایت از خاندان عصمت و طهارت و توسعه اقتدار شیعیان به صورت نفوذ در دستگاه حکومت و قبضه کردن پنهانی قدرت ادامه داد و سرانجام به پست وزارت رسید. به این ترتیب توانست بسیاری از مناصب مهم تحت قلمرو خلافت اسلامی را به علویان و سادات و برخی شیعیان تفویض کند. این وضع دشمنان را نزد خلیفه عباسی به سعایت و مذمت از وی واداشت و مهدی عباسی را به این موضوع تهدید کردند که سراسر کشور اسلامی در دست یعقوب و شیعیان است و با انقلابی سریع می‌تواند بساط حکومت تو را سرنگون کنند. تبلیغات زهر آگین دشمنان کار خود را کرد و موجب برکناری یعقوب و زندانی شدن او گردید. [۲۳].

جویبارهای خونین

گروهی از فرزندان ائمه علیهم السلام و نیز سادات و علویان، طی مبارزات و قیامهایی حضرت امام کاظم (ع) را در دفاع از جبهه حق و افشای باطل یاری می‌دادند. در دوران حکومت منصور و فرزندش مهدی شرایط طاقت‌فرسایی بر شیعیان مدینه سایه افکند.

خفقان آن چنان علویان را احاطه کرد که آنان چون آتشی زیر خاکستر در صدد پیدا کردن فرصتی بودند تا بر دستگاه ستم حریق افکنند. وقتی مهدی یکی از دشمنان معروف اهل بیت را به عنوان والی مدینه منصوب کرد، او حقوق علویان را از بیت‌المال قطع کرد و دستور به بازداشت سادات و شیعیان حوزه حکومتی داد. زمینه‌های خروش خونین علویان به این ترتیب فراهم گشت و حسین بن علی بن حسن مثلث که از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام بود، رهبری «قیام فخر» را عهده‌دار گردید. وجود دویست نفر از اصحاب امام کاظم (ع) و بزرگان بنی‌هاشم در این نهضت و تأیید ضمنی امام از وی دلیل بارزی بر موافقت هفتمین فروغ امامت با جنبش مذکور است، گرچه در آغاز نیروهای حسین بن علی بر شهر مدینه استیلا یافتند، ولی با آمدن نیروهای تازه‌نفس از سوی مرکز خلافت و آرایش نظامی عباسیان طی نبردی خونین که در وادی فخر واقع در غرب شهر مکه رخ داد، گروهی به شهادت رسیدند. [۲۴]. عبدالله بن حسن از بزرگان شیعه و مطیع امام هفتم بود، گروه عظیمی از شیعیان را به گرد خودش فرا آورد و مخالفت خود را با غاصبان آغاز کرد. سرانجام به زندان کشیده شد. او محبس را آموزشگاه انقلاب خویش ساخت و از طریق مکاتبه با رهبر خود، امام کاظم (ع)، الهام می‌گرفت و خبر می‌رساند تا آنکه به شهادت رسید. یحیی بن عبدالله از قهرمانان انقلاب حسین بن علی رهبر قیام فخر بود و بعد از کشته شدن وی به سرزمین دیلم گریخت. در آنجا شیعیان را مجتمع کرد. هارون که از فعالیت وی واهمه داشت، فضل بن یحیی را با لشکری زیاد به سوی او روانه داشت. نبرد فرستاده خلیفه با یحیی به پراکندگی یارانش انجامید و او را به صلح وادار کرد، هارون از فرصت پیش آمده استفاده کرد و او را به زندان افکند و دستور داد دیوار زندان را به رویش ویران کنند تا به شهادت برسد. [۲۵]. حسین بن عبدالله زاهد و عابد در عصر خویش محسوب می‌شد. او به جهت مبارزات و مجاهدتهای مداوم و دفاع از حریم امامت، به دست حکومت ظالم وقت گرفتار و شهید شد. حسین، فرزند امام کاظم (ع) بود و در ناحیه فارس به حالت اختفاء و دور از ستم عباسیان زندگی می‌کرد. ماموران و حاکمان فارس محل اختفاء او را یافته و آن سید بزرگوار را شهید کردند. هم اکنون به سید علاء الدین حسین معروف است و در شیراز دارای قبه و بارگاه می‌باشد. [۲۶]. احمد بن عیسی از دوستداران امام کاظم (ع) بود و همزمان با جنبش یحیی قیامی ترتیب داد. هارون وی را به زندان انداخت، او از محبس گریخت و به بصره رفت. از آنجا با شیعیان مکاتبه داشت و مردم را علیه دستگاه عباسی برمی‌انگیخت. بر اثر فعالیتهای وی نهال تشیع در بصره به بالندگی افزونتری رسید و چون امام کاظم (ع) به دستور هارون در بصره زندانی گشت، مردم این شهر از زندانی شدن امام خشمگین شده و نسبت به عباسیان اظهار تنفر کردند. اما به دلیل پر خفقان و حکومت نظامی عباسیان، قادر نبودند به قیامی دست بزنند. اسماعیل، فرزند موسی بن جعفر علیهما السلام در مصر رحل اقامت افکند. فرزندان وی نیز در آنجا زندگی می‌کردند، وی ضمن تألیف چندین کتاب، جانبداری از حریم ولایت و نگهداری دژ استوار امامت و فراخوانی شیعیان در ستیز با ستم مشغول بود. اختناق فکری و جلوگیری از فعالیتهای شیعیان به اندازه‌ای بود که شیعیان و سادات و علویان عصر امام کاظم (ع) به شیوه‌ای افشاگرانه روی آوردند و آن نوشتن مطالبی مبنی بر حقانیت اهل بیت (ع) و غاصب بودن خلفای عباسی و نیز درج اندیشه‌های الهام گرفته از پرتو فروزان امام هفتم بود بدین گونه دیوارهای سرزمین اسلامی با تابلوهای رنگین، اعمال ننگین عباسیان را فاش می‌ساخت شاعران، گویندگان و روشنگران از این طریق مسئولیت حساس و نقش تاریخی خویش را ایفا می‌کردند. سرانجام حکومت فاسد عباسی که هراس عمیقی از امام در دل داشت و تمامی تلاشهای فرهنگی سیاسی این عصر را در پرتو رهنمودهای حکیمانه‌ی امام هفتم می‌دانست و مشاهده می‌کرد که عظمت و مهابت شخصیت امام در بین مردم و درگیری مستقیم و توأم با صراحت او در برخورد با خلفا تشکیلات آنان را به مخاطره افکنده، در سال ۱۸۳ هجری امام را در سیاه‌چالهای بغداد در سن ۵۵ سالگی به شهادت رساند.

- [۱] کشف الغمه فی معرفه الائمه علی بن عیسی اربلی، ج ۳، ص ۲ و ۳، به نقل از کمال‌الدین.
- [۲] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲-۳.
- [۳] اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸-۴۷۰.
- [۴] همان، ص ۴۷۵ و الغیبه نعمانی، ص ۳۲۴.
- [۵] رجال کشی، ص ۲۳۹-۲۴۱. و بنگرید به حیات الامام موسی بن جعفر زج ۱، ص ۴۱۸-۴۱۹.
- [۶] الانوار البهیة زج ۹۱.
- [۷] الارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۳۱.
- [۸] نک؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ج ۲، ص ۱۹-۲۰.
- [۹] دورنمایی از زندگانی امام موسی بن جعفر عیه السلام ز عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۱۲۲.
- [۱۰] جامع الرواه ز محمد بن علی اردبیلی، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۷ و نیز الکنی و اللقب، محدث قمی.
- [۱۱] فهرست شیخ طوسی، ص ۲۶۵.
- [۱۲] معجم رجال حدیث، ج ۱۴، ص ۳۰۱.
- [۱۳] این واقعیت در رجال نجاشی، ص ۲۲۹ و رجال کشی، ص ۵۹۱ آمده است.
- [۱۴] رجال کشی، ص ۱۸۶.
- [۱۵] راویان امام رضا (ع) در مسند الرضا، ص ۳۶۱.
- [۱۶] همان، ص ۱۵.
- [۱۷] منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۷۶.
- [۱۸] رجال نجاشی، ص ۳۰۵ و رجال کشی، ص ۲۶۹.
- [۱۹] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۶۷.
- [۲۰] در مورد وی بنگرید به کتاب صفوان بن یحیی، شکوه ایمان، محمد اصغری نژاد.
- [۲۱] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۵.
- [۲۲] رجال نجاشی، ص ۲۵۵.
- [۲۳] پیشوای آزاده ز مهدی پیشوایی، ص ۵۵.
- [۲۴] سرزمین وحی، سرچشمه تشیع، به قلم نگارنده، ص ۱۲۰-۱۲۱.
- [۲۵] مامقانی در تنقیح المقال زج ۳، باب یحیی وی را از یاران امام کاظم (ع) و رجال موثق دانسته است.
- [۲۶] ابی نصر بخاری در کتاب سراسلسله العلویه وی را از فرزندان امام هفتم دانسته و وی را بلاعقب می‌داند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

